

گفت‌وگو

گفت‌وگوی لوموند

با فواد سنوره نخست‌وزیر لبنان

استراتژی زخم‌های باز

ترجمه : سهیلا قاسمی



■ با گذشت یک هفته از جنگی که لبنان درگیر آن است، قصد دارید چه کاری انجام دهید؟
دستگیری دو سرباز اسرائیلی (به‌دست حزب‌الله در روز ۱۲ ژوئیه) را بررسی کرده و وضعیت لبنانی‌هایی را که ۳۰ سال است در بند اسرائیل هستند مشخص کنیم. همچنین دولت مصمم است نفوذ و تسلط پرکل سرزمین لبنان را با کمک سازمان ملل و همه کشورهای دوست و برادر متعصراً خود به دست گیرد و به موازات آن همه مشکلاتی را که اسرائیل از حل آنها سر باز می‌زند و در واقع منشاء بحران‌ها و تنش‌ها هستند از میان بردارد.

■ **یعنی در واقع شما هم به توبه خود همان درخواست حزب‌الله مبنی بر مبادله زندانیان را دارید؟**
آزادی زندانیان لبنانی درخواست مشروع دولت لبنان است. چرا آن را فقط به حزب‌الله نسبت می‌دهید؟ من چطور می‌توانم نگران لبنانی‌های دربند زندان‌های اسرائیل باشم؟ من وقتی خواستار توقف تجاوز به حریم اسرائیل کشورم توسط اسرائیل هستم، این به معنی آن است که نقطه نظر حزب‌الله را دارم؟ اسرائیل ادعا می‌کند که می‌خواهد به تسلیحات و تجهیزات جنگی حزب‌الله پایان دهد، من در پاسخ می‌گویم: راهی ساده‌تر برای رسیدن به این مقصود وجود دارد و آن پیدا کردن راه‌حل مشکلات است. اسرائیل دیگران را به تروریسم متهم می‌کند در حالی که خودش این کار را به شکل‌هایی بسیار خشن‌تر انجام می‌دهد. این کشور مشکلاتی ایجاد می‌کند و بعد از آنها به صورت یک زخم باز استفاده می‌کند تا روشن فشار خودش را به کار گیرد. من می‌خواهم از لبنانی‌هایی که آنها در بند دارند صحبت کنم، از این‌هایی که آنها در جنوب لبنان کار گذاشته‌اند و از دادن نقشه‌شان به ما خودداری می‌کنند. این در حالی است که ده‌ها نفر کشته شده‌اند و ده‌ها تن دیگر در نتیجه انفجار آنها ناقص و بدشکل شده‌اند.

اسرائیل به‌طور سیستماتیک به حریم هوایی و آب‌های کشاورزی ما تجاوز می‌کند و به اشغال مزارع شعبا- زمین‌های ۴۵ کیلومترمربعی لبنان- ادامه می‌دهد؛ در حالی که می‌داند آنها متعلق به لبنان هستند. چطور می‌توان اینچنین رفتاری را توجیه کرد. غیر از این است که اراده‌ای برای حفظ وضعیت تنش و فشار برلبنان وجود دارد؟ نبود راه‌حلی قطعی برای این مشکلات فراوان به افراط‌گرایی دامن می‌زند. راه‌حل‌های سریع و سطحی تنها به تشدید وضعیت دامن می‌زنند. ما قبلاً هم گفتیم که از پیش در مورد دستگیری دو سرباز اسرائیلی مطلع نشده بودیم و مسئولیت این عمل را برعهده نمی‌گیریم. آیا این همه ویرانی و کشتاری که اسرائیل به‌خاطر دو سرباز دستگیر شده به راه انداخته قابل قبول است؟ امروز در روستاهای عیترون و شهر صور کشتار به راه افتاده و دیروز در یسده و مروحین قتل عام می‌شد آیا زندگی لبنانی‌ها تا این اندازه کم ارزش است؟

■ **آیا می‌توانید حزب‌الله را در مورد خط‌مشی خود متقاعد کنید؟ آیا با آنها در تماس هستید؟**

تماس‌های من صورت خواهد گرفت. تماس‌ها هرگز قطع نشده‌اند و ما بی‌وقفه به تلاش‌های خود برای رسیدن به وضعیتی روشن با حفظ منافع لبنانی‌ها و اعراب ادامه خواهیم داد. ما مسئول مردمان لبنان هستیم و تمامی سعی خود را خواهیم کرد تا به آتش‌بس و پایان قتل عام‌های چینی اسرائیلی‌ها دست یابیم. ما اهداف و باورهایی روشن داریم و اراده‌مان تغییرناپذیر است ما از آنچه درست است دفاع خواهیم کرد.

■ **مسئولیت کلاه‌آبی‌ها، نیروهای موقت سازمان ملل، در لبنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

آنها یکی که روز شنبه ۱۵ ژوئیه از پذیرش ساکنان روستای مروحین که‌از آتش اسرائیل گریخته و به اقامتگاه آنها تنها برده بودند سر باز زدند و در نهایت نیز این افراد زیر بمباران‌های هدفمند اسرائیل جان باختند. ما در این‌باره تحقیق خواهیم کرد. اما نمایندگان سازمان ملل به من گفتند آن گروه از شهروندانی که به دست اسرائیلی‌ها قتل عام شدند کسانی نبودند که کلاه‌آبی‌ها از پذیرفتن شان به دلیل نداشتن اطلاعات کافی سر باز زدند. هرچه باشد ما نباید در مورد مجرم واقعی خود را فریب دهیم. مجرم اصلی خواهد بود. اسرائیل است که این جنایت را انجام داده است.

■ **شورای امنیت سازمان ملل موفق نشده در مورد درخواست آتش‌بس تصمیم‌گیری کند آن‌هم به دلیل موضع‌گیری آمریکایی‌ها که می‌گویند آنها دوست لبنان هستند.**

آنها دوست ما هستند اما دوستی آنها برای دیگران (اسرائیل) بیشتر از ما است.

■ **در مورد عملکرد فرانسه چه نظری دارید؟**

من با دومینک دوویلین نخست‌وزیر فرانسه و فیلیپ دوس بلازی وزیر خارجه این کشور دیدار و گفت‌وگو کردم و درخواست‌های مشروع‌مان را به آنها اعلام کردم. ما قدردان حمایت بی‌وقفه فرانسه از لبنان و دوستی دولت و مردم آنها با مردم لبنان هستیم. ما از حسن‌نیت رئیس‌جمهور شپراک و تلاش‌های او برای کمک به لبنان و باخیرمی و متقاعد شدیم که او از هیچ‌روش و فریبی برای حمایت از خواست‌های ما دریغ نخواهد کرد.

■ **در مورد پیشنهاد اسرائیل که رومانو پرودی همتای ایتالیایی شما احتمالاً آن را در اختیارتان گذاشته و در آن آتش‌بس به شرط گسیل ارتش لبنان به جنوب و عقب‌نشینی حزب‌الله مدنظر است می‌گویند؟**
بیباید ورواست باشیم. آقای پرودی که دوست قدیمی لبنان است تنها محتوای گفت‌وگوی را با من در میان گذاشت که بین او و اولمرت (نخست‌وزیر اسرائیل) صورت گرفته بود. به هیچ‌وجه پای یک پیشنهاد رسمی در میان نبود.

هنوز چند صبحا‌ی از اسارت یک سرباز اسرائیلی به نام گیلعاد شلیط توسط سه گروه جهادی فلسطینی در نوار غزه

و در پی آن حملات گسترده اسرائیل به این منطقه، کشته و زخمی شدن شماری از فلسطینیان، دستگیری تعدادی از وزرا و نمایندگان پارلمان فلسطین و تلاش‌های دیپلماتیک برای حل بحران نگذشته بود که هفته پیش دو سرباز دیگر اسرائیلی توسط حزب‌الله لبنان به اسارت درآمدند. در پی اسارت این دو سرباز، ارتش اسرائیل مناطق مختلف لبنان را از هوا و دریا و زمین هدف بمباران‌های خود قرار داد و عملا‌ین کشور را به محاصره کامل درآورد. حزب‌الله لبنان نیز حملات اسرائیل را با حملات موشکی به شهرهای اسرائیل از جمله حیفا پاسخ داد. اگرچه عملیات اسرائیل در غزه که به بهانه آزادی اسیر اسرائیلی و متوقف ساختن حملات موشکی گروه‌های فلسطینی صورت می‌گرفت خسارات جانی و مالی فراوان بر جای گذاشت ولی حجم حملات و تجاوزات اسرائیل به مناطق لبنانی

چنان گسترده بود که حتی اعتراض برخی از کشورهایی را که عملیات اسرائیل را دفاع از خود می‌دانند برانگیخت و آنها اسرائیل را متهم کردند که به عملیاتی نامتناسب با هدف آزادی اسرای خود دست زده و پیامدهای اقدامات خود را نادیده گرفته است. اسرائیل علاوه بر انهدام کامل مقر حزب‌الله و تلویزیون المنار و سایر موسسات وابسته به حزب‌الله، فرودگاه بیروت، پل‌ها، جاده‌ها، کارخانه‌ها، استقرار ارتش لبنان را که دور از مناطق استقرار حزب‌الله است هدف حملات خود قرار داد و تاکید کرد که تا خلع سلاح کامل حزب‌الله و استقرار ارتش لبنان در مناطق مرزی و اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت به حملات خود ادامه خواهد داد. سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله نیز حملات گسترده اسرائیل را اعلام جنگ علنی و تمام عیار علیه حزب‌الله و لبنان تلقی کرد و گفت که از نیز علیه اسرائیل اعلام جنگ علنی و تمام‌عیار می‌کند. او وعده داد که به زودی دولت و مردم اسرائیل و حکام عرب شاهد اقدامات غیرمتنظره حزب‌الله خواهند بود و موشک‌های حزب‌الله حیفا و ما بعد حیفا و حتی مناطق دورتر را هدف قرار خواهد داد و از این جنگ پیروز بیرون خواهد آمد. این در حالی است که برخی از مقامات کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی حزب‌الله را مسئول عواقب امور دانستند و آن را به ماجراجویی حساب نشده متهم کردند. ولی حجم حملات و شرط‌های تعیین شده توسط اسرائیل، برخی ناظران امور لبنان و خاورمیانه را بر آن داشته است که در تحلیل شرایط منطقه، از مسئله اقدام حزب‌الله و حماس در اسیر کردن سربازان اسرائیلی یا پرتاب موشک به اسرائیل فراتر رفته و طرح‌های بلندمدت اسرائیل و هم‌پیمانان غربی آن را در منطقه مدنظر قرار دهند. در همین زمینه شبکه تلویزیونی الجزیره گفت‌وگویی را با دو صاحب‌نظر لبنانی و مصری در میان گذاشته است که عبارتند از:
■ ابراهیم الامین رئیس شورای مدیریت روزنامه الاخبار از لبنان و دکتر مصطفی الفقی رئیس کمیسیون روابط خارجی پارلمان مصر از قاهره.
ترجمه این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید:

■ ■ ■

■ **آقای ابراهیم الامین! با گذشت چند روز از آغاز رویارویی حزب‌الله لبنان با ارتش اسرائیل، وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ابراهیم الامین : اکنون ما عملاً در برابر برنامه‌ای قرار گرفته‌ایم که از سوی فرماندهی نظامی اسرائیل تدوین شده و از دو بعد مختلف برخوردار است. هدف اول جلوگیری از حملات موشکی حزب‌الله به شمال فلسطین اشغالی است ولی از روند تحولات و شواهد موجود چنین برمی‌آید که اسرائیل در رسیدن به این هدف شکست خورده است. معتقدم که جلوگیری از فعالیت مقاومت لبنان به خصوص جلوگیری از حملات موشکی یا توپخانه‌ای به فلسطین اشغالی بسیار دشوار است. هدف دوم از نظر سیاسی است. . . .

■ **ولی اسرائیل اکنون بدون استثنا همه جا را هدف بمباران‌های خود قرار داده است.**

لبنانی‌ها از مدت‌ها قبل همیشه اصطلاحی به نام «جهوزیه» (حالت آماده‌باش) را از زبان مقاومت لبنان و چه بسا از زبان خود سیدحسن نصرالله شنیده‌اند. این اصطلاح از نظر مقاومت به این معنی است که آنها خود را برابر یک طرح تکاملی می‌بینند که اموری بسیار فراتر از آنچه را که اکنون جریان دارد در محاسبات خود گنجانده است. یعنی فرماندهی مقاومت از نظر تهیه سلاح و چگونگی استقرار نیروها و . . . تدابیری اندیشیده است که آمادگی تحمل شرایط بسیار سخت‌تر از وضعیت کنونی را به آنها می‌دهد. به عبارت دیگر آنها حتی احتمال تجاوز زمینی طولانی‌مدت ارتش اسرائیل به لبنان، دخالت نیروهای خارجی و نیز تیز تخریبی اضافی اسرائیل را نیز پیش‌بینی کرده‌اند. ولی در عمل حزب‌الله اعلام کرد که به زودی وارد یک جنگ علنی و تمام‌عیار با اسرائیل خواهد شد. چیزی که من از این تعبیر می‌فهم این است که در برابر اقدامات تخریبی اسرائیل که در روزهای گذشته شاهد آن بودیم حزب‌الله نیز به اقدامات تخریبی گسترده دست خواهد زد. به خصوص با توجه به اینکه عملیات حزب‌الله حمایت مردمی گسترده‌ای را برانگیخته است و برای نمونه قرار گرفتن کشتی جنگی اسرائیل با موشک‌های حزب‌الله بیش از آنکه یک پیروزی نظامی باشد یک پیروزی روانی به شمار می‌رود. همچنین مقاومت لبنان موفق شده است که خط آتش خود را گسترش دهد و برد موشک‌های خود را از ۱۲ کیلومتری داخل اسرائیل به ۳۰ تا ۳۵ کیلومتری داخل اسرائیل برساند.

■ **آقای فقی ! به نظر می‌رسد که در حال حاضر یک شکاف جدی میان افکار عمومی کشورهای عربی و دولت‌های**

حاکم بر این کشورها وجود دارد به طوری که گفته می‌شود افکار عمومی بر اساس احساسات عاطفی از اقدامات حزب‌الله استقبال می‌کنند ولی دولت‌های حاکم که علائیت و دوراندیشی بیشتری دارند و توازن قوای منطقه‌ای بین المللی را به خوبی می‌شناسند از این نظر چه‌بسا پایان دادن به قدرت حزب‌الله را موجب خوشحالی و راحتی خود بداندند.

مصطفی الفقی : آنچه که گفتید درست است. من معتقدم که افکار عمومی احساس هیجان و همدردی شدیدی با حزب‌الله و دبیر کل آن دارند زیرا همگی ماهیت جنایت‌های اسرائیل به خصوص در دوره اخیر را به خوبی درک می‌کنند. ولی می‌خواهم توجه همگان را به این نکته جلب کنم که آنچه امروز شاهد آن هستیم صرفاً یک عملیات نظامی نیست بلکه بخشی از یک راهبرد بلندمدت است. من از جمله کسانی هستم که معتقدند اسرائیل از مدت‌ها قبل و شاید پس از عملیات ۱۱ سپتامبر در آمریکا وارد یک مرحله جدیدی است که به سختی می‌توان آن را متهم به تروریسم کرد زیرا این حزب از خاک کشورش دست به عملیات جهادی می‌زند، حزب سازمان‌یافته‌ای است که ضربات دردناکی به اسرائیل وارد می‌کند و در موارد معین به مبادله اسیران و پیکره‌های کشته‌شدگان با اسرائیل اقدام کرده است. واقعیت این است که برنامه‌ریزان اسرائیلی پس از اشغال عراق توسط آمریکا و خروج این کشور از موازنه راهبردی منطقه به این نتیجه رسیدند که حزب‌الله، سوریه و ایران موانع اصلی در برابر اهداف آنها هستند. بنابراین من بر این باورم که حتی اگر افراد حزب‌الله این دو سرباز اسرائیلی را نمی‌ربودند باز هم اسرائیل دنبال فرصتی می‌گشت تا نیروهای حزب‌الله را به درگیری مشابه آنچه که اکنون شاهدش هستیم بکشانند. به هیچ‌وجه فکر نمی‌کنم که اکنون زمان مناسبی برای وارد کردن انتقادات به حزب‌الله باشد زیرا فکر می‌کنم که انتقادات باید متوجه همه طرف‌ها باشد از جمله اسرائیل که اقدام به انجام عملیات در غزه کرد و با کشتن کودکان، نابودی خانواده‌ها، انهدام خانه‌ها، نادیده گرفتن آتش‌بس و کشتن رهبران حماس مرکب جنایت‌هایی شد.

■ **ولی برخی از حکومت‌های عربی انتقاداتی را متوجه حزب‌الله می‌کنند و آن را حزبی ماجراجویی می‌نامند.**

شاید نظام‌های عربی این انتقادات را به خاطر ترس از پیامدهای رویدادهای جاری و احتمال گسترش دامنه درگیری‌ها و تبدیل آن به یک جنگ منطقه‌ای و حتی اتفاقاتی بدتر از آن مطرح می‌کنند. با این همه نباید یک طرف‌خاص را سرزنش کرد بلکه به طریقه‌اولی سرزنش‌ها باید متوجه کسی باشد که به اشغالگری خود ادامه می‌دهد.

خاطر ربه‌ود شده یک سرباز اسرائیلی به پا خسته و آرامش خود را از دست داده است در حالی که نصف دولت و بیشتر اعضای پارلمان فلسطین ربه‌ود شده‌اند و هیچ‌کس اشاره‌ای به آن نمی‌کند. اسرائیل فکر می‌کند که می‌تواند با اعمال زور در منطقه و ترساندن همسایگانش به حیات خود ادامه بدهد. من از کسانی بوده و هستم که معتقدم می‌توانیم در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشیم ولی اسرائیل در سال‌های اخیر و به ویژه از سال ۲۰۰۰ تاکنون کاملاً خلاف این را اثبات کرده است. پس با این ترتیب چگونه می‌توان کسانی را که در برابر این اقدامات مقاومت می‌کنند سرزنش کرد. من معتقدم که این مسئله را باید با حکمت و تدبیر عقلی حل کرد. ما در منطقه با پرونده‌های مختلفی روبه‌رو هستیم. از جمله پرونده آمریکا و پرونده ایران، ولی چیزی که به نام پرونده عربی وجود ندارد. درست است که جامعه عرب و دبیر کل آن تلاش‌هایی انجام می‌دهند ولی هیچ موضع مشترک و جدی برای مقابله با این وضعیت سخت و بی‌سابقه به چشم نمی‌خورد. ما اکنون با خطرات بزرگی همچون تغییر کامل نقشه منطقه روبه‌رو هستیم. اسرائیل خيال‌ها و آرزوهای طولانی دارد و به همین دلیل همه را هدف قرار می‌دهد و به دنبال ضعیف‌ترین نقاط می‌گردد و نخست آنها را می‌زند. اسرائیل می‌خواهد که حزب‌الله را با دولت و مردم لبنان و مردم و حکومت‌های کشورهای عربی دچار بحران کند. ما باید از این حقایق آگاهی داشته باشیم و وضعیت را با توجه به عوامل متعدد و پیچیده تحلیل کنیم. توجه به وضعیت بین‌المللی نیز ما را در این تحلیل یاری می‌دهد. ما در عرصه بین‌المللی شاهد برخوردهای

ترجمه : حسن عبدی



دوگانه و جانبداری آشکار هستیم.

■ **آقای ابراهیم الامین! اسرائیل و برخی از کشورهای عربی و حتی از جامعه بین‌المللی معتقدند که اکنون بهترین فرصت برای برخورد کامل با حزب‌الله به دست آمده است.**
درست مشابه برخوردی که در سال ۱۹۸۲ با رهبران فلسطینی و مرحوم یاسر عرفات صورت گرفت. در آن زمان رهبران فلسطینی هدف قرار گرفتند و مجبور به ترک لبنان شدند. امروز نیز حزب‌الله مورد حمله قرار می‌گیرد تا مجبور به خلع سلاح شود؟

ابراهیم الامین : من معتقدم اگرچه در حال حاضر طرف‌های مختلف در لبنان از همبستگی و اتحاد در برابر اسرائیل سخن می‌گویند ولی این نمی‌تواند شکاف موجود در لبنان را بپوشاند و این شکاف بسیار فراتر از اختلاف بر سر تقسیم مناصب و شیوه اداره کشور است. اختلاف اصلی پس از رویداد ۱۴ مارس اتفاق افتاد که در آن جبهه ۱۴ مارس موافقت خود را با قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت اعلام کردند. این قطعنامه عبارت از طرح مشترک آمریکا، اسرائیل و فرانسه بود که شروط این سه طرف را دربرداشت ولی منافع ملی لبنان را نادیده گرفته بود. مشکل جبهه ۱۴ مارس این بود که مشروعیت این قطعنامه را پذیرفتند و اکنون آمریکا و اسرائیل و کشورهای اروپایی همین اندیشه را دنبال می‌کنند. یعنی می‌خواهند لبنان را مجبور به اجرای تدریجی قطعنامه ۱۵۵۹ بکنند. اکنون برخی از مقامات حکومتی لبنان تصور می‌کنند که فرصت طولانی در اختیار دارند تا بتوانند روش دیگری برای برخورد با مسئله پیدا کنند چنانکه آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها و فرانسوی‌ها چنین وعده‌ای داده‌اند. می‌خواهم بگویم که شباهت شرایط فعلی لبنان با شرایط سال ۱۹۸۲ در واقعیت مربوط به مقاومت لبنانی نیست بلکه شباهت در این است که متاسفانه در حال حاضر دربرداشت ولی منافع ملی لبنان را نادیده گرفته بود. گروهی در داخل حکومت لبنان هستند که گویی منتظرند به کمک اسرائیل بر رقبه داخلی پیروز شوند. اینها به غلط تصور می‌کنند که بعد از آن می‌توانند لبنان را از درگیری اعراب و اسرائیل دور نگه دارند. نکته اصلی در این طرح مبتنی بر یک ایده فرانسوی است.

■ **مضمون این ایده فرانسوی چیست؟**

مضمون آن تلاش برای صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل برای گسترش دایره عمل نیروهای بین‌المللی در جنوب لبنان و حضور هزاران سرباز انگلیسی و فرانسوی و سایر کشورها در یک خط حائل طولانی است که تا مناطق آزاد شده در مرز سوریه و لبنان امتداد می‌یابد. من حتی بعد نمی‌دانم که به عمد برخی مشکلات جدیدی را بر مرز سوریه و لبنان ایجاد شود تا بهانه‌ای برای گسترش حضور نیروهای بین‌المللی در طول مرز سوریه و لبنان باشد زیرا کسانی در جریان اکثریت هستند که فکر می‌کنند راه حل مسئله دور نگه داشتن لبنان از قضیه اعراب و اسرائیل است. آنها متوجه نیستند که حتی اگر باب رویارویی میان لبنان و اسرائیل مسدود شود باز هم ما در برابر مشکلات بزرگ داخلی قرار داریم. آنها پیامدهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تجاوزات اسرائیل را در نظر نمی‌گیرند زیرا بازتاب این تجاوزات بر نیروها و قطب‌های سیاسی بزرگی که دارای پایگاه‌های طایفه‌ای هستند اثر خواهد گذاشت. آنها فکر می‌کنند مسئله با درخواست‌هایی مشابه آنچه که امروز فواد سنوره نخست‌وزیر لبنان انجام داد به پایان می‌رسد. درست است که سنوره به عنوان رئیس دولت یاسر و چنین کاری که دیدیم که اسرائیل تقاضای او را مبنی بر آتش‌بس همه‌جانبه رد کرد. او خواستار برقراری آتش‌بس با نظارت سازمان ملل و استقرار نیروهای بین‌المللی شد تا سازمان ملل ضامن برقراری آتش‌بس و مبادله اسرای لبنانی و اسرائیلی باشد. نکته دیگر این بود که سازمان نیروهای ارتش لبنان در مناطق مرزی مستقر شوند. ولی اسرائیل هیچ اعتمادی به استقرار ارتش لبنان در مرزها ندارد بلکه خواستار استقرار نیروهای بین‌المللی مورد اعتماد خودش است. بنابراین پیشنهاد (سنوره) باید در عرض ۳ تا ۵ کیلومتری خط مقدم مرزی نیروهای مورد اعتماد بین‌المللی مستقر شوند و پس از آن ارتش لبنان استقرار یابد و به این ترتیب مانع از اقدامات حزب‌الله شوند و هم‌زمان گفت‌وگوهایی برای ادغام حزب‌الله در ارتش لبنان صورت گیرد. می‌خواهم بگویم که اسرائیل خواست به روش خودش نتایج گفت‌وگوهایی ملی لبنان را تعیین کند ولی این اقدام به مشکلات بسیاری خواهد انجامید به خصوص با

خاورمیانه ویژه نامه جنگ لبنان –اسرائیل

میزگرد الجزیره در بررسی حملات اخیر و تحولات اخیر لبنان

اسرائیل و طرح توسعه بحران در خاورمیانه

توجه به اینکه واقعیت‌های عینی مسئله را به سمت دیگری سوق خواهد داد.

■ **به کدام سمت؟**

به نظرم دامنه درگیری‌ها بسیار گسترده‌تر از این خواهد بود و خرابی‌هایی که لبنانی‌ها در این چند روز از سوی اسرائیل متحمل شدند بیشتر از آن را اسرائیلی‌ها شاهد خواهند بود و قضیه به لبنان و فلسطین نیز محدود نخواهد ماند. در ضمن آقای مصطفی الفقی به طرح آمریکا و طرح ایران در منطقه اشاره کردند و گفتند که طرح عربی وجود ندارد. من این را درست نمی‌دانم زیرا مطمئناً یک طرح عربی وجود دارد. فلسطین یک طرح عربی است. هدف اسرائیل فلسطین نیست بلکه کل اعراب است. حزب‌الله هم یک حزب عربی است حتی اگر از کمک‌های ایران برخوردار باشد. ولی حکومت‌های عربی پشت قضیه را خالی کرده‌اند زیرا از این بیم دارند که موفقیت حزب‌الله بر اوضاع سیاسی داخلی آنها اثر بگذارد. نمونه آن چیزی بود که امروز

در کنفرانس خبری عمرو موسی دبیرکل جامعه عرب و وزیر امور خارجه امارات که ریاست جلسه را بر عهده داشت شاهد بودیم. در این کنفرانس روزنامه‌نگاران نماینده افکار عمومی بودند و دیگران در مقام دفاع بودند ولی تاثیر افکار عمومی چنان بود که عمرو موسی سخن مهمی را در زبان آورد مبنی بر اینکه روند صلح مرده است. ■ **آقای مصطفی الفقی ! به نظر شما آیا استراتژی اسرائیل در پی گشودن یک جبهه گسترده در منطقه است یا فقط**

می‌خواهد مسئله لبنان و حزب‌الله را حل کند؟

من معتقدم که اگر اسرائیل قصد توسعه بحران را نداشت هرگز به عملیاتی چنین گسترده اقدام نمی‌کرد. اسرائیل این بار نخست می‌خواهد کار حزب‌الله را تمام کند یا دست‌کم خلع سلاح‌ش کند و اینکه آیا به این هدف خواهد رسید یا نه، مسئله دیگری است. اما پس از این مرحله می‌خواهد پای ایران را به میان بکشد چنانکه مدعی شده که پرتاب موشک‌های حزب‌الله توسط یکصد نیروی خیره ایرانی که به استخدام حزب‌الله درآمده‌اند صورت می‌گیرد. بنابراین وقتی من می‌گویم یک طرح عربی مشخص در منطقه وجود ندارد مقصود این نیست که بگویم مسئله فلسطین یا حزب‌الله مسئله اعراب نیست بلکه منظور این است که در سطح رسمی حکومت‌هایک طرح مشخص و مشترک وجود ندارد و نمونه‌اش بحران حاکم در نشست امروز جامعه عرب بود. بنابراین تحلیل ما باید در مقیاس کلان باشد نه در مقیاس جزئی. بنابراین باید مسائل را در مقیاس گسترده در نظر بگیریم. اسرائیل می‌خواهد از فرصت بین‌المللی موجود استفاده کند و به اهداف نهایی خودبرسد بنابراین بعد از اقداماتی که در فلسطین انجام داد اکنون به حزب‌الله پرداخته است.

■ **با توجه به آنچه که گفتید آیا تحولات اخیر در فلسطین و لبنان یعنی اسارت یک سرباز اسرائیلی در فلسطین و دو سرباز در لبنان بهانه‌ای برای تحقق اهداف اسرائیل شده است یا بر عکس این دو اقدام مانعی در برابر اهداف توسعه‌طلبانه اسرائیل ایجاد کرده است؟**

می‌خواهم بگویم که اسرائیل اهداف و طرح‌های بلندمدت دارد و حوادث دیگر چندان تأثیری روی آن ندارد. قصد اسرائیل ایجاد یک دولت عبری گسترده و تجاوزطلب بدون مرزهای مشخص است و می‌خواهد در کنارش یک دولت فلسطینی فاقد قدرت و اختیارات باشد که نه ارتش و فرودگاه دارد و نه رعایت خارجی. حتی از آنچه که قبلاً با آن موافقت کرده بود عقب‌نشینی کرده است. بنابراین اسرائیل این اهداف را از قبل دنبال می‌کرد و به هیچ‌وجه نمی‌توان گفت که دست به واکنش زده است. زیرا حماس چندین ماه است که عملیات خود را در متوقف کرده است ولی اسرائیل همچنان به سیاست‌های خود ادامه می‌دهد.

■ **ولی این اظهارات شما با مواضع مصر و اردن و عربستان متناقض است؟**

نه این بهانه نیست. بگذارید موضع مصر را روشن کنم. مصر می‌کوشد منطقه را از جنگ فرآگیر و پیامدهای ویرانگر آن دور نگه دارد. مصر می‌داند که اسرائیل قصد دارد نقشه منطقه را تغییر دهد و مسائل را بار دیگر به نقطه اول بازگرداند. بنابراین مصر به تناسب مسئولیت‌ها و حجمی که دارد می‌کوشد منطقه را از این رویارویی دور کند و خسارت‌ها را به حداقل برساند و تعهد ویژه‌ای نسبت به لبنان و فلسطین و سوریه احساس می‌کند. ولی می‌خواهد این کار را از طریق دیپلماتیک و سیاسی و تعامل با آمریکا انجام دهد. نزدیک بود که مصر مشکلی را که به دنبال اسارت سرباز اسرائیلی در غزه ایجاد شده بود از میان گرفت وگو حل کند ولی قضیه لبنان همه چیز را به هم ریخت. اما برنامه اسرائیل هیچ ربطی به این قضیه ندارد و او راه خودش را می‌رود. بنابراین انتقادات اصلی باید متوجه اسرائیل باشد که پرونده طولانی از تجاوزات دارد.

■ **آقای ابراهیم الامین ! به نظر شما باز کردن حساب روی حمایت‌های افکار عمومی عربی یک توهم نیست؟ دیدیم که به‌رغم مخالفت افکار عمومی در عراق و فلسطین چه اتفاقاتی افتاد. پس چگونه می‌توان روی افکار عمومی حساب باز کرد؟**
اولاً به هیچ‌وجه نمی‌توان روی حکومت‌های عربی حساب باز کرد. بنابراین باید از طریق افکار عمومی بر حکومت‌ها فشار وارد کرد تا به‌زهی‌هایی به وجود یابید که قادر باشند نقش جدی ایفا کنند. مقاومتی که در فلسطین و لبنان و وجود آمده قبلاً وجود نداشته بلکه محصول فشارهای مردمی است.

نکات

آرامش لبنان در گرو حل معضل فلسطین در جست‌وجوی شریکی برای صلح

دیوید کلارک *

ترجمه : علی عبدالمحمدی

هر موضعی له یا علیه دور تازه عملیات نظامی اسرائیل بر ضد لبنان داشته باشیم شکی نیست که این عملیات هرگز در تحصیل اهداف مدنظر مقامات تل آویو موفق نخواهد شد. اگر اسرائیل نتوانست حزب‌الله را طی ۱۸ سالی که ارتش این کشور بخش‌های وسیعی از قلمرو لبنان را تحت اشغال خویش داشت شکست دهد، انجام حملات هوایی و به اجرا گذاشتن محاصره‌های دریایی یا حتی اشغال دوباره قلمرو حریف هم نخواهد توانست چاره‌ساز شود. مشابه این نکته حتی به طور ملموس‌تر در مورد غزه (یکی از دو بخش اصلی تحت حاکمیت تشکیلات خودگردان فلسطین) صدق می‌کند. هر وقت که اسرائیل از دو آهنگر برای سرکوب حملات فلسطینیان و در هم شکستن مقاومت آنان استفاده می‌کند، صفوف فلسطینیان منسجم‌تر و ایستادگی آنان در برابر تهدیدات و تهاجمات نظامی ارتش اسرائیل بیشتر می‌شود. در این بین، حزب‌الله لبنان و حماس بدون ترس از آتش انتقام مقامات تل آویو حتی این سیاست آمیخته به خشم دیوانه‌وار اسرائیلی‌ها استقبال هم می‌کنند. اصلاً قابل توجهی و قابل پیش‌بینی نیست که اسرائیل با توسل به تهاجم سنگین نظامی بتواند آزادی سربازان خود را که چندی است به اسارت دشمنان‌شان در غزه و لبنان درآمده‌اند تضمین کند. غیرنظامیانی که

روژه را در لبنان قربانی حملات شدید انتقام‌جویانه تل آویو می‌شوند اساساً بر اسیرکنندگان سربازان اسرائیلی نفوذ ندارند. در واقع، این جنگجویان فلسطینی و لبنانی نیستند که از حملات ارتش اسرائیل آسیب می‌بینند، بلکه این طیف گسترده‌ای از اتباع غیرنظامی فلسطین و لبنان هستند که در معرض بیشترین خطر قرار دارند. در مورد لبنان، اگرچه انتقام‌گیری ارتش اسرائیل که صرفاً به تخریب فردگاه بیروت و کشته شدن ده‌ها غیرنظامی انجامید ممکن است حزب‌الله و حامیان‌اش را از بقیه لبنان جدا کند، اما این هدف با این ریسک همراه خواهد بود که آتش جنگ داخلی دیگر در لبنان شعله ور شده و در خلاء حاصله فرصتی برای دشمنان اسرائیل در بیرون مرزها جهت بهره‌برداری بهینه از شرایط جدید به‌وجود آید. در اینجا بهتر است به دنبال پاسخی برای این پرسش باشیم که اساساً هدف اسرائیل از آن ترازه عملیات نظامی در فلسطین و لبنان چیست. این پرسش که تولیداً در اظهارات سران ۸ کشور صنعتی جهان در سن پترزبورگ روسیه نیز به آن اشاره شد یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌ها در ارتباط با مناقشه اخیر است. بسیاری از رهبران اسرائیل همواره از اسرائیل خواسته‌اند تا از اعمال بیش از حد زور خودداری کند، از کشتار غیرنظامیان بی‌برهه، و از اقداماتی که ممکن است به تقویت حماس یا تضعیف ثبات سیاسی شکننده لبنان بینجامد خودداری کند. این در عمل با حمایت جهان غرب به‌ویژه آمریکا از موضع تل آویو منافاتی ندارد، اما آیا باید تهاجمات اسرائیل را در محاسبه کرد؟مسئله این است که منطق پریش بالا صحیح نیست. در حالی که ما در غرب به تلاش‌های خویش برای استقرار یک صلح پایدار در خاورمیانه یا تمرکز بر نراز فلسطین و اسرائیل) ادامه می‌دهیم و اساساً مذاکره را بهترین راه تحقق چنین هدفی می‌دانیم به نظر می‌رسد که روند اوضاع در این منطقه در مسیری غیر از مسیر دلخواه ما حرکت می‌کند. البته چیز تازه‌ای در این بین به چشم نمی‌آید. هر کس در اسرائیل به صدارت می‌رسد یک صدا با وزیران کابینه خود از نبود یک شریک واقعی در طرف فلسطینی برای انجام مذاکره گل‌مند است. اما تجربه نشان داده است که هرگاه سخن از یک مذاکره واقعی به میان آمده دولت اسرائیل از هیچ تلاشی برای تضعیف احتمال حصول یک توافق جدی با طرف فلسطینی فروگذار نکرده است. افراطیون هر دو طرف با فشاری بر مواضع تنگ‌خوش خود علاوه‌را بر یک حرکت واقعی به جانب صلح بسته‌اند. اصولاً به همین دلیل نیز بود که اسرائیل از اوج گیری حماس پس از تاسیس این جنبش در دهه ۱۹۸۰ خرسند شد. مراجع حکومتی اسرائیل که علاقه‌ای به مذاکره با ملی‌گرایان سکولار فتح که البته حاضر به معامله با تل آویو بر سه اختلافات زمین‌شنه بودند، نداشتند اوج گیری رقیب اسلامگرای فلسطینی شده حماس را به نفع خویش ارزیابی کردند. در مورد بحران جاری نیز چنین استدلالی صادق است. درست در شرایطی که «محمود عباس» رئیس‌جمهور فلسطین با تهدید حماس به برگزاری فراخوانم در اراضی فلسطینی تلاش می‌کرد تا حماس را به پذیرش موجودیت اسرائیل به عنوان هم‌بنای دستیابی به یک صلح پایدار پس از حدود شش سال رخوت وجود در این منطقه از منافع‌اش را در صورت متوصل شدن به حماس در یک صلح پایدار پس از تجاوزات جدید در نظر من، از طرفی غریب اسرائیل بیگانه چشم خود را بر دلالی استعمار این نزارع در فلسطین باشد، چاره‌ای برای پیشگیری از اقدام این روند نخواهیم یافت. کلید حل موقعیت دشوار کنونی در لبنان، همانند آنچه در سراسر دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شاهد بودیم، در یافتن یک راه حل واقعی برای حل‌فلسطین نهفته است. اگر در آینده بتوانیم ملزومات یک حاکمیت مستقل را در فلسطین فراهم کنیم خوشبختانه فرزانه‌دین کنونی که از کرد زیاده‌ریشه در فراسوی مرزها دارد عمدتاً فروکش خواهد کرد، و این خود به فروکش کردن موج اعتراضات فرزانه مسلمانان به سیاست‌های طرف‌خواه انجماید. ما اکنون، «عباس» که تنها گزینه علاقمند به یک صلح دوجانبه است و واسطه صلح‌های است. غلط رهبران غربی در حال تضعیف شدن است. رئیس‌جمهور فلسطین به یک شریک واقعی برای صلح نیاز دارد. اگر اسرائیل از پذیرش این نقش طفره می‌رود، جامعه بین‌المللی باید این نقش را ایفا کند.

■ **مشاوَر ویژه جدی کارگر در وزارت امور خارجه انگلیس منبع : گاردین**